

۱- راه‌های مبارزه با تورم و اثرات آن بر مصرف

مقدمه: تورم مانند بسیاری از پدیده‌های اقتصادی دیگر تابع یک یا چند عامل خاص نیست، بلکه علل گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند در آن دخالت داشته باشد. این مسئله اگرچه در بسیاری از کشورها با شدت و ضعف وجود داشته و دارد، اما در بعضی کشورها مانند ایران سابقه طولانی دارد و مبارزه با آن همیشه با دشواری‌های اساسی روبرو بوده است و در این مورد موفقیت‌چندانی نصیب نشده است. شاید یکی از علتهای اساسی دشواری مبارزه با این پدیده وجود مشکلات و ضعف‌های ساختاری اقتصادی و غیراقتصادی است. برای مثال، وابستگی شدید اقتصادی به خارج، بخصوص کشورهای استعمارگر، در مواقع بحرانی اثرات نامطلوب خود را در افزایش قیمت‌ها نشان می‌دهد و یا در رابطه با تورم رکودی، کمبود متخصص که ناشی از ضعف سیستم آموزش است یک مانع اساسی برای افزایش تولید در کشورهای جهان سوم است و نارسایی سیستم توزیع نیز یک مشکل عمده در این راستاست.

نکته دیگر در مورد تورم این است که اقتصاددانان بسیاری با این مشکل نظرات گوناگون ارائه می‌دهند. مثلاً "کلاسیک‌ها می‌گویند افزایش قیمت‌ها بدون دخالت دولت اتوماتیک و برعکس العمل تعادلی ایجاد می‌کند، زیرا تولیدکنندگان عرضه را زیاد و تقاضا - کنندگان تقاضا را کم میکنند بطوری که دوباره تعادل برقرار می‌شود.

اما واقعیت این است که، این مکانیسم اولاً در کشورهای جهان سوم که در افزایش تولید معمولاً با مشکلات اساسی روبرو هستند چندان کارساز نیست و ثانیاً "لا اقل در کوتاه مدت قادر به برقراری تعادل نخواهد بود و یک دلیل عمده این است که تقاضای بعضی کالاها با افزایش قیمت چندان کاهش نمی یابد مانند: گوشت - روغن - نان و ...

بجز این دلایل تجربیات تاریخی نشان داده است که دخالت دولت در مواقع ضروری و اجرای سیاست‌های مناسب برای کاهش تورم و برقراری تعادل اجتناب ناپذیر است .

در این مقاله سعی شده است راه‌های اساسی جلوگیری از افزایش قیمت‌ها بطور اجمالی بررسی شود، البته از آنجا که بحث در مورد مسائل ساختاری اصولاً به مقوله توسعه مربوط می شود، لذا در این رابطه چندان بحث نشده است .



اقتصاددانان برای مبارزه با تورم سیاست‌های مختلفی را پیشنهاد می‌کنند، این سیاست‌ها عبارتند از:

۱- افزایش عرضه

۲- استفاده از سیاست‌های پولی و مالی

۳- سیاست کاهش انتظارات تورمی

۴- سیاست کنترل قیمت توسط دولت

۵- جیره بندی و کوپنی کردن کالاها

البته گاهی تلفیقی از این سیاست‌ها اعمال می‌شود، چنانکه

در ایران چندساله اخیر این گونه عمل شده است و نیز باید

استفاده از شیوه تبلیغات و متوسل شدن به احساسات ملی و انگیزه‌های

عقیدتی - سیاسی مردم، بخصوص در شرایط بحرانی، همانند جنگ را مد نظر داشت، این شیوه در کوتاه مدت می تواند موثر باشد. حال با توجه به موارد ذکر شده به بررسی اجزای هر یک از راههای فـسـوق پرداخته می شود.

۱- افزایش عرضه :

oooooooooooooooooooo

دولت ها ممکن است در مواقع تورم با افزایش عرضه از طریق واردات سعی در مهار تورم کنند. اعمال این سیاست جز در موارد خاصی معمولاً به زیان اقتصاد است زیرا باعث خروج ارز و نیز وابستگی بیشتر می شود و به تولیدات داخلی هم لطمه می زند. مضافاً اینکه گاهی واردات هم نمی تواند تورم را مهار کند. مثلاً در سالهای دهه ۱۳۵۰ با وجود افزایش شدید واردات به دلیل سرعت زیاد افزایش تقاضا که بدنبال سیاست مصرفی کردن جامعه ایجاد شده بود و نیز بواسطه مشکلاتی نظیر محدودیت ظرفیت بنادر که هزینه کالاهای وارداتی را افزایش میداد تورم نه تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه شدت بیشتری هم یافت و در این رابطه بسیاری از اقتصاددانان ایران تورم کنونی را ادامه تورم دهه ۵۰ بخصوص از سال ۵۳ به بعد می دانند که البته بواسطه جنگ تحمیلی و توطئه های دیگر، نظیر محاصره اقتصادی شدت بیشتری یافته است. بهر حال در رابطه با افزایش عرضه، بهترین راه افزایش تولیدات داخلی است که میتوان گفت بطور کلی در مبارزه با تورم این سیاست، در صورت امکان اجراء، موثرترین است.

گاهی افزایش تولید از طریق افزایش بهره وری عوامل تولید صورت می گیرد. افزایش ظرفیت های تولیدی کارخانه ها و نزدیک کردن

پول در گردش تجلی می‌کند و البته همراه اثرات مثبت، اثرات منفی هم دارد.

از جمله اثرات کاهش حجم پول آنست که، سطح مصرف تقلیل می‌یابد و در نتیجه در کاهش قیمت‌ها موثر است (این اثر مثبت است) و اما اثر منفی این است که به علت کاهش پول، رکود در فعالیتهای اقتصادی و در نتیجه کاهش تولید پیش می‌آید. کاهش حجم پول یک اثر منفی دیگری هم معمولاً دارد و آن افزایش نرخ بهره است که باعث هدایت سرمایه‌ها بسوی فعالیتهای غیر تولیدی می‌شود.*

بهر حال با توجه به این اثرات مثبت و منفی در مواقعی کیسه کنترل تورم برای اقتصاد جامعه ضروری باشد دولت با پذیرفتن اثرات منفی در شرایطی، سیاست پولی انقباضی را اعمال و اقدام به کاهش حجم پول در گردش می‌کند.

از جمله راههای معمول برای اجرای این سیاست یکی فروش اوراق قرضه دولتی به مردم است که معمولاً در زمان جنگ از این شیوه استفاده میشود و یا اینکه بانک مرکزی می‌تواند بانک‌ها را در اعطای اعتبارات محدود کند. بهر حال دولت باید با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، چگونگی اجرای سیاست مذکور را بررسی کند.

ب: سیاست مالی - از طریق تغییر در مخارج دولتی و - مالیات‌ها صورت می‌گیرد. این سیاست هم اثرات مثبت و منفی را بطور

* : چنانچه کاهش حجم پول، انتظارات تورمی را کاهش بخشد و اعتبار ارزش واحد پول را افزایش دهد می‌تواند برخلاف انتظار موجب کاهش نرخ بهره گردد و برعکس. مطالعات اقتصادسنجی اخیر افزایش حجم پول را همراه با افزایش نرخ بهره نشان میدهد.

با آلامیتوانند از طریق خرید کوپن مصرف خود را به همان سطح قبلی برسانند. در این حالت هر شخصی می تواند از این طریق کمتری را بیشتر از سهمیه تعیین شده مصرف کند. در ضمن با آزاد بودن خرید و فروش کوپن، جریان توزیع درآمدی نیز صورت می گیرد، زیرا اشخاصی که بدلیل مایل به استفاده از کوپن خود نیستند، آن را می فروشند.

گاهی اوقات سیستم دو قیمتی اجرامی شود، یعنی یک کالا دارای دو قیمت است. یکی کوپنی و دیگری آزاد. این حالت نسبت به سیستم کوپنی بنفع اشخاص پردرآمد است، زیرا می توانند کمبود مصرف خود را از بازار آزاد تهیه کنند، ولی اشخاص کم درآمد به همان مقدار جیره بندی شده اکتفا میکنند.

در این سیستم، دولت تولیدکنندگان را موظف میکند سهمی از تولید خود را برای عرضه کوپنی اختصاص دهند. واضح است که در این شرایط رضایت افراد بیشتری تامین میشود، اما قشر پردرآمد با تقاضای زیاد باعث افزایش قیمت در بازار آزاد میشود و این خود به تورم دامنی می زند، که بزیان سایرین است.

از طرفی معمولاً "به علت سوددهی بالای بازار آزاد، تخلفات تولیدکنندگان بیشتر میشود و سعی میکنند بیشتر از سهمیه تعیین شده در بازار آزاد بفروشند و در نتیجه باعث کمبود کالا برای دارندگان کوپن می شوند.

نتیجه گیری:

oooooooooooooooo

از این بحث، بخصوص در ارتباط با تورم در ایران میتوان به صورت زیر نتیجه گیری کرد:

۱- سیاست افزایش عرضه از طریق بالابردن تولیدات داخلی در

درازمدت باید بعنوان سیاست اصلی مبارزه با تورم در نظر گرفته شود.

۲- با توجه به مقدمه ذکر شده، برطرف کردن مشکلات ساختاری کسب در واقع میتوان آنها را علل ساختاری تورم هم بیان کرد درازمدت ضروری است. زیرا با وجود این مشکلات حل مسئله تورم بصورت بنیانی امکان ندارد، بخصوص اینکه مهمترین موانع درجهت افزایش تولید داخلی هم بشمار می آیند.

۳- با توجه به وضعیت جنگی و شرایط خاص اقتصادی کشور اجرای سیاست کنترل قیمت و نیز سیستم کوپنی کردن کالاهای اساسی بعنوان سیاست های اجتنابناپذیر تلقی میشوند و باید تلاش کرد تا این سیاست ها را به بهترین صورت اجرا کرد تا حداقل زیان و حداکثر استفاده حاصل شود.

۴- افزایش مالیات بر درآمدهای بالابخصوص در بخش خدمات یکی از منطقی ترین و در حال حاضر بهترین شیوه برای کاهش کسری بودجه و در نتیجه جلوگیری از افزایش حجم پول در گردش است و از طرفی این سیاست باعث کاهش جذابیت بخش خدمات و در نتیجه هدایت سرمایه هایسوی بخش تولیدی میشود و همچنین در کاهش تقاضا موثر است.

منابع مورد استفاده :

.....

(۱): Branson, William H., Macro Economic Theory and Policy. n.p.

Harper and Row pub. n.D

(۲): Crouch, Robert , Macro Economic .n.p: Brace Jananorich Inc. n.D.

(۳): قدیری اصلی، باقر. سیاستهای پولی، چاپ اول. تهران، انتشارات احمدی
تیرماه ۱۳۶۴.